



1

Vol. 2
Spring 2025
P.P: 175-200

Research Paper

Received:
30 October 2024
Revised:
16 March 2025
Accepted:
06 April 2025
Published:
05 May 2025



Investigating the Effect of Stakeholders' Pressure on Choosing an Active Environmental Strategy Considering the Interactive Role of Company Size

Mehdi khorramabadi ^{1*} | Maryam Asadi ² | Reyhane Mirzaei ³

Abstract

Considering the increase in the destructive effects of the companies' activities on the environment, the increase in the demand of the stakeholders to preserve the environment by applying environmental strategies, as well as the increase in the level of global competition, the present study examines the effect of the pressure of the stakeholders on The adoption of an active environmental strategy has been discussed. Also, the role of company size on the adjustment of the mentioned relationship was also tested. The statistical population of the research was formed by the managers of the management accounting unit of all the companies admitted to the stock exchange in all industries. Finally, the number of 220 companies on the Tehran Stock Exchange in 2023 was randomly selected as the research sample based on the Cochran volume determination method. After collecting information using a questionnaire, the resulting data were analyzed by factor analysis and path analysis using Excel and SmartPLS software. The research findings indicated that there is a positive and significant relationship between stakeholder pressure and the choice of environmental strategies, and company size cannot weaken the relationship between stakeholder pressure and environmental strategies. Therefore, companies can respond to the needs of stakeholders in line with environmental issues by choosing an active environmental strategy and as a result, gain legitimacy, create a competitive advantage and attract unlimited resources.

Keywords: Active Environmental Strategy; Stakeholder Pressure, Company Size, Factor Analysis.

1. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran. m.khorramabadi@pnu.ac.ir
2. Accounting PhD, Department of Accounting, Faculty of Economics and Management, Urmia University, Urmia, Iran.
3. Master of Accounting, Parandak Institute of Higher Education, Tehran, Iran.

Publisher: Imam Hussein University

© Authors



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).

بررسی تأثیر فشار ذی‌نفعان بر انتخاب استراتژی زیست‌محیطی فعال با در نظر گرفتن نقش تعاملی اندازه شرکت

مهدی خرم‌آبادی^{۱*} | مریم اسدی^۲ | ریحانه میرزایی^۳

چکیده

با توجه به افزایش آثار مخرب فعالیت‌های شرکت‌ها بر محیط‌زیست، افزایش تقاضای ذی‌نفعان بر حفظ محیط‌زیست با اعمال استراتژی‌های زیست‌محیطی و همچنین افزایش سطح رقابت جهانی، مطالعه حاضر به بررسی تأثیر فشار ذی‌نفعان بر پذیرش استراتژی زیست‌محیطی فعال پرداخته شده است. همچنین، نقش اندازه شرکت بر تعدیل رابطه مزبور نیز مورد آزمون قرار گرفت. جامعه آماری پژوهش متشکل از مدیران واحد حسابداری مدیریت شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۴۰۲ به صورت تصادفی منظور، تعداد ۲۲۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۴۰۲ به صورت تصادفی بر اساس روش کوکران به عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردید. پس از گردآوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه، داده‌های حاصل با روش تحلیل عاملی و تحلیل مسیر و با استفاده از نرم‌افزار Excel و SmartPLS مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش حاکی از این امر بود که بین فشار ذی‌نفعان و انتخاب استراتژی‌های زیست‌محیطی رابطه مثبت و معناداری وجود داشته و اندازه شرکت ارتباط بین فشار ذی‌نفعان و استراتژی‌های زیست‌محیطی را نمی‌تواند تضعیف نماید. لذا، شرکت‌ها می‌توانند از طریق انتخاب استراتژی زیست‌محیطی فعال به نیاز ذی‌نفعان در راستای مسائل زیست‌محیطی پاسخ داده و در نتیجه به کسب مشروعیت، ایجاد مزیت رقابتی و جذب منابع نامحدود مبادرت ورزند.

کلیدواژه‌ها: استراتژی زیست‌محیطی فعال؛ فشار ذی‌نفعان، اندازه شرکت، تحلیل عاملی.

۱

سال دوم

بهار ۱۴۰۴

صص: ۲۰۰-۱۷۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۸/۰۹

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۳/۱۲/۲۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۱/۱۷

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۰۲/۱۵



۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲. دکتری حسابداری، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

۳. کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی پرندک، تهران، ایران.



مقدمه و بیان مسئله

نگرانی‌های فزاینده‌ای در خصوص تأثیر فعالیت‌های تجاری بر محیط‌زیست وجود دارد (گاناراتنی و همکاران^۱، ۲۰۲۲). لذا، مسئولیت زیست محیطی به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین جنبه‌های پایداری شرکتی در راستای تقلیل اثرات مخرب زیست محیطی شناخته می‌شود (پیترا و همکاران^۲، ۲۰۲۱). به‌طور کلی، بسیاری از شرکت‌ها به استفاده از اطلاعات زیست محیطی در انتخاب استراتژی‌های کسب و کار خود اقدام کرده‌اند (بوریت و همکاران^۳، ۲۰۱۹)، زیرا اجرای استراتژی‌های زیست محیطی برای آن‌ها جزء مزایای رقابتی اصلی محسوب می‌گردد (سلمانی و یزدی، ۱۳۹۸).

استراتژی زیست محیطی به ارتباط مؤثر بین محیط‌زیست و فعالیت شرکت اشاره داشته و نمایانگر یک مجموعه از اقداماتی است که می‌تواند اثرات منفی فعالیت‌های واحد تجاری بر محیط‌زیست را تقلیل دهد (آفتاب و همکاران^۴، ۲۰۲۲). بنابراین، انتخاب استراتژی‌های کارآمد توسط شرکت‌ها یکی از رویکردهای کاهش آسیب‌های زیست محیطی می‌باشد.

بر اساس ادبیات پژوهش، رویکردهای متعددی برای طبقه‌بندی انواع استراتژی‌های زیست محیطی بر مبنای درجات مختلفی از فعال بودن استراتژی مطرح شده است ولی رویکرد غالب، رویکرد مترقی^۵ (پیشرو) نام دارد. این رویکرد مبتنی بر زنجیره‌ای از قابلیت‌های استراتژیک است که از "پاسخ استراتژیک واکنشی"^۶ (بر اساس الزامات قانونی) تا "پاسخ استراتژیک فعال"^۷ (مبتنی بر رویکردهای داوطلبانه و استراتژی‌های خلاقانه سازگار با محیط‌زیست) را شامل می‌شود (سروکا-سولتا و فیجوریک^۸، ۲۰۲۰). همچنین، بر اساس رویکرد مزبور، طبقه‌بندی‌های متعددی از انواع استراتژی‌های زیست محیطی توسط برخی

1. Gunarathne et al
2. Petera et al
3. Burritt et al
4. Aftab et al
5. progressive approach
6. reactive
7. proactive
8. Seroka-Stolka & Fijorek

پژوهشگران مانند رومی^۱ (۱۹۹۲)، هارت^۲ (۱۹۹۵)، بایسی و وربک^۳ (۲۰۰۳)، موریلو-لونا و همکاران^۴ (۲۰۱۱) و ... معرفی شده است. این مطالعات اتفاق نظر دارند که قوی ترین سطح پذیرش استراتژی زیست محیطی، استراتژی زیست محیطی فعال می باشد. در مطالعه حاضر، الگوی طبقه بندی ارائه شده توسط موریلو-لونا و همکاران (۲۰۱۱) که شامل استراتژی زیست محیطی منفعل^۵، واکنشی، توجه به ذی نفعان^۶ و فعال می باشد، مورد توجه واقع شده است.

بهبود عملکرد شرکت در حوزه زیست محیطی می تواند کارایی داخلی و مشروعیت خارجی سازمان را افزایش دهد که آن به نوبه خود می تواند منجر به کسب مزیت رقابتی و ایجاد ثروت شود (سروکا-استولکا و فیچورک، ۲۰۲۰). همچنین، روند فزاینده صنعتی شدن و محدودیت منابع طبیعی و زیست محیطی، توجه و تقاضای ذی نفعان را در راستای حفظ محیط زیست و پذیرش مسئولیت های اجتماعی جلب کرده است (قنبری قلعه رودخانی و همکاران، ۱۴۰۰). لذا، فشار ذی نفعان تأثیر زیادی بر پذیرش استراتژی های زیست محیطی توسط شرکت ها داشته (سروکا-سولتا و فیچوریک، ۲۰۲۳) و می تواند به عنوان محرکی برای حرکت از استراتژی زیست محیطی واکنشی به سوی استراتژی زیست محیطی فعال عمل کند. بنابراین، شرکت ها در تدوین استراتژی های زیست محیطی خود، باید فشارهایی که از جانب ذی نفعان به شرکت وارد می شود را به طور منظم مورد ارزیابی قرار دهند (گارسیس و همکاران^۷، ۲۰۱۲).

پژوهشگرانی مانند گارسیس و همکاران (۲۰۱۲) و سروکا-سولتا و فیچوریک (۲۰۲۳) پژوهش هایی در راستای ادبیات پژوهش انجام داده اند. ولی در ایران تاکنون پژوهشی در این رابطه انجام نشده است. لذا، در این مطالعه، با در نظر گرفتن ذی نفعان مختلف به این سؤال اساسی پاسخ داده می شود که آیا فشار ذی نفعان می تواند پذیرش استراتژی های زیست محیطی فعال توسط شرکت را تحت تأثیر قرار دهد یا خیر؟

-
1. Roome
 2. Hart
 3. Buysse & Verbeke
 4. Murillo-Luna
 5. Passive
 6. attention to stakeholders
 7. Garcés et al

از طرف دیگر، اندازه شرکت جزء اصلی‌ترین عوامل مؤثر بر مسئولیت اجتماعی شرکت محسوب می‌گردد (شمس‌الدینی و همکاران، ۱۴۰۱). شرکت‌های کوچک و متوسط نسبت به هم‌تایان بزرگ‌تر خود تمایل کمتری به مشارکت داوطلبانه در مسئولیت اجتماعی شرکت، فراتر از آستانه‌های نظارتی دارند و به تبع به‌طور قابل‌توجهی کمتر با پایداری شرکتی درگیر می‌شوند (ارنست و همکاران^۱، ۲۰۲۲). متقابلاً، به دلیل اینکه شرکت‌های بزرگ به منابع بیشتری دسترسی داشته و ذی‌نفعان توانایی بیشتری در نظارت بر فعالیت‌های آنان دارند (موریلو-لونا و همکاران، ۲۰۱۱)، لذا انتظار می‌رود که توجه بیشتری به فعالیت‌های داوطلبانه پایداری نشان دهند. بنابراین، می‌توان اندازه شرکت را به‌عنوان یک متغیر تعدیل‌گر در مطالعات مربوط به مسئولیت اجتماعی و تأثیر ذی‌نفعان مطرح نمود. بر این اساس در بخش دوم پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال مهم هستیم که آیا اندازه شرکت می‌تواند تأثیر فشار ذی‌نفعان بر پذیرش استراتژی‌های زیست محیطی را تعدیل نماید یا خیر؟

نتیجه این مطالعه اولاً، به بسط و توسعه ادبیات پژوهش کمک نماید؛ ثانیاً، می‌تواند به‌عنوان مرجعی برای تصمیم‌گیرندگان سازمانی به‌منظور بهبود مداوم عملکرد محیطی و بهبود توسعه پایدار از طریق انتخاب استراتژی‌های زیست محیطی عمل نماید؛ ثالثاً، ذی‌نفعان را در راستای ارزیابی شرکت‌ها در خصوص عملکرد زیست محیطی یاری رساند. ادامه این پژوهش به شرح ذیل سازمان‌دهی شده است: مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها، روش‌شناسی پژوهش، یافته‌های پژوهش و بحث و نتیجه‌گیری.

مبانی نظری پژوهش

تقاضای ذی‌نفعان مبنی بر پذیرش مسئولیت اجتماعی شرکت در حال افزایش می‌باشد. بر این اساس، شرکت‌ها باید در فعالیت‌های خود منافع تمام ذی‌نفعان، شامل سهامداران، مشتریان، کارکنان، سرمایه‌گذاران و عموم جامعه را مورد توجه قرار دهند (خرم‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۱). بنابراین، در سال‌های اخیر هدف شرکت‌ها صرفاً کسب سود و افزایش ثروت سهامداران نیست

1. Ernst et al

بلکه شرکت‌ها ملزم به پذیرش مسئولیت اجتماعی و تعامل با طیف وسیعی از ذی‌نفعان بوده و باید در راستای بهبود رفاه عمومی تلاش نماید (بنایی قدیم و همکاران، ۱۴۰۱). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که توانایی سازمان برای گنجاندن مسئولیت اجتماعی شرکت در استراتژی‌های سازمانی منجر به کسب مزیت رقابتی پایدار می‌شود (لانلونگو و گونزالیز-بنیتو^۱، ۲۰۱۲). لذا، شرکت‌ها باید برای بقا و موفقیت در بازار، از طریق راهبردهای مناسب پایداری بر ایجاد نقاط قوت و قابلیت‌های رقابتی خود متمرکز شوند (امیدفر و برزگر، ۱۳۹۹).

بخشی از اهداف و چشم‌انداز پایداری شرکت‌ها استفاده از برنامه‌های استراتژیک و نظارت‌های زیست‌محیطی مداوم در شرکت‌ها تحت عنوان «استراتژی زیست‌محیطی» شرکت می‌باشد (بادنورد، ۱۳۹۸). استراتژی‌های زیست‌محیطی عبارت‌اند از مجموعه‌ای از ایده‌ها که تأثیر عملیات کاری بر محیط‌زیست را از طریق محصولات، فرآیندها و سیاست‌های شرکت‌ها مانند کاهش مصرف انرژی و زباله‌ها، استفاده از منابع پایدار سبز و اجرای سیستم مدیریت زیست‌محیطی را کاهش می‌دهد (لاتان و همکاران^۲، ۲۰۱۸). به‌طور کلی، استراتژی زیست‌محیطی همان جهت‌گیری بلندمدت یک شرکت در مورد نحوه مدیریت زیست‌محیطی برای برآورده ساختن انتظارات ذی‌نفعان است (لافت موباس^۳، ۲۰۰۵).

همان‌طور که در بخش مقدمه بیان شد، رویکرد غالب برای طبقه‌بندی انواع استراتژی‌های زیست‌محیطی رویکرد متری (پیشرو) می‌باشد که بر مبنای درجات مختلفی از فعال بودن استراتژی قرار دارد. از دیدگاه مدیریت ذی‌نفعان، "رویکرد متری"، تغییرات شدت پاسخ‌های استراتژیک را به ذی‌نفعان در نظر می‌گیرد (گارس و همکاران، ۲۰۱۶). در اغلب موارد، اولین مرحله استراتژیک یک شرکت، تضمین انطباق با قانون و رعایت الزامات نظارتی است (استراتژی زیست‌محیطی واکنشی) که معمولاً بعداً به تدریج با فعالیت‌های داوطلبانه و «فرا تر از مقررات» برای بهبود حفاظت از محیط‌زیست (استراتژی زیست‌محیطی فعال) گسترش می‌یابد (استورا و فیچورک، ۲۰۲۰؛ هارت، ۱۹۹۵).

1. Lannelongue and González-Benito

2. Latan et al

3. Luft Mobus

به‌طور کلی بر اساس ادبیات پژوهش، استراتژی زیست محیطی را می‌توان با تکیه بر دیدگاه مبتنی بر منابع^۱ و تئوری ذی‌نفعان^۲ تشریح نمود (سالم و همکاران^۳، ۲۰۲۱؛ سروکا-سولتا و فیجوریکا، ۲۰۲۳). فرض اصلی دیدگاه مبتنی بر منابع این است که منابع استراتژیک به‌صورت نامتوازن بین کسب‌وکارها توزیع شده است. بنابراین، در یک محیط یکسان، کسب‌وکارها هم از لحاظ رویکردهای استراتژیک و هم در نتایج متفاوت هستند (آراگون و اورتیز^۴، ۲۰۱۶). این دیدگاه بیان می‌کند که مزیت رقابتی هر شرکتی به تعامل آن با محیط زیست و چگونگی پاسخ (واکنش استراتژیک) به مسائل زیست محیطی بستگی دارد. لذا، تعهد زیست محیطی کسب‌وکارها یک عامل مهم در توضیح چگونگی ارتباط جهت‌گیری داخلی و خارجی با واکنش استراتژیک زیست محیطی است (سالم و همکاران، ۲۰۲۱).

تئوری ذی‌نفعان بر این باور است که مسئولیت پاسخ‌گویی شرکت را باید برای طیف مختلفی از ذی‌نفعان مورد توجه قرارداد (براسکا و همکاران، ۲۰۱۸). از نظر فریمن^۵ (۱۹۸۴) ذینفع "هر فرد یا گروهی از افراد است که می‌توانند بر عملکرد کسب‌وکار تأثیر بگذارند یا می‌توانند تحت تأثیر سازمان قرار بگیرند" (دگریس و همکاران^۶، ۲۰۱۲). بر مبنای تئوری ذی‌نفعان، هر ذی‌نفع دارای انتظارات، نیازها و ارزش‌های خاص خود می‌باشد و سازمان باید میان این نیازها توازن برقرار نماید (دریسن و هایلبرند^۷، ۲۰۱۳). ادبیات پژوهش نشان داده است که ذی‌نفعان مختلف، منجر به انتخاب شیوه‌های زیست محیطی متفاوتی از جانب شرکت‌ها می‌شوند و اینکه فشار هر یک از ذی‌نفعان بر مشاغل یکسان نیست (بویسه و وربکه، ۲۰۰۳).

در ادامه مبانی نظری زیربنای تدوین فرضیه‌ها و الگوی شماتیک فرضیه‌های پژوهش در شکل ۱ ارائه شده است.

1 Resource-Based View (RBV)

2 Stakeholder theory

3 Saleem et al

4 Aragon & Ortiz

5 Freeman

3 Degryse et al

7 Driessen & Hillebrand

فشار ذی‌نفعان و انتخاب استراتژی زیست‌محیطی فعال

تقریباً هر فعالیت شرکت با شبکه گسترده‌ای از ذی‌نفعان در ارتباط است. این ذی‌نفعان را می‌توان به دو گروه «اولیه»^۱ و «ثانویه»^۲ تقسیم کرد (کلارسون^۳، ۱۹۹۵). ذی‌نفعان اصلی "کسانی هستند که بدون مشارکت و حمایت آن‌ها سازمان نمی‌تواند زنده بماند" (به‌عنوان مثال مشتریان، تأمین‌کنندگان و قانون‌گذاران) و ذی‌نفعان ثانویه کسانی هستند که "تحت تأثیر سازمان قرار می‌گیرند و بر آن تأثیر می‌گذارند، اما در معاملات با آن شرکت نمی‌کنند و برای بقای سازمان ضروری نیستند" (به‌عنوان مثال رسانه‌ها و سازمان‌های غیردولتی مردم‌نهاد). ذی‌نفعان درون‌سازمانی بخشی از ساختار سازمانی هستند، مانند مالکان، مدیران و کارکنان. ذی‌نفعان بیرون‌سازمانی همه گروه‌ها و افرادی هستند که بخشی از شرکت نیستند اما با آن ارتباط برقرار می‌کنند، از جمله رقبا، دولت، مصرف‌کنندگان، جامعه، رسانه و محیط (کورمیر و همکاران^۴، ۲۰۰۵).

در محیط کسب‌وکار فعلی، همکاری با تعدادی از ذی‌نفعان به سازمان‌ها اجازه می‌دهد تا به اطلاعات و دانش دسترسی داشته باشند، هزینه‌ها و خطرات را کاهش دهند و فرصت‌های خود را برای توسعه سریع محصولات و خدمات جدید افزایش دهند. علاوه بر این، از دیدگاه عملیاتی، همکاری‌های بین‌سازمانی، زمان و تلاش لازم برای جمع‌آوری منابع جدید و حیاتی لازم برای نوآوری را کاهش می‌دهد (اوزدمیر و همکاران^۵، ۲۰۲۳).

بر اساس دیدگاه منابع، ذی‌نفعان می‌توانند بر انتخاب راهبردهای استراتژیک شرکت مؤثر باشد. زیرا، فعالیت‌های زیست‌محیطی می‌تواند کسب‌وکارها را به سمت توسعه قابلیت‌های منحصر به فرد و ارزشمند مانند توانایی ادغام ذی‌نفعان یا یادگیری بالا و بهبود مستمر سوق دهد و این به نوبه خود منجر به مزیت رقابتی می‌شود (شارما و ودنبرگ، ۱۹۹۸). توجه مدیریتی به مسائل زیست‌محیطی در پاسخ به تقاضای ذی‌نفعان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم استراتژی زیست‌محیطی فعال از دیدگاه مبتنی بر منابع شناخته شده می‌شود و این استراتژی به‌عنوان یک اقدام

1 primary

2 secondary

3 Clarkson

4 Cormier et al

5 Ozdemir

محیطی داوطلبانه تلقی شده که فراتر از خواسته‌ها و اقدامات نظارتی است که معمولاً توسط شرکت‌ها در همان بخش اتخاذ می‌گردد (وربک و همکاران^۱، ۲۰۰۶).

تئوری ذی‌نفعان توضیح می‌دهد که شرکت‌ها به فشارهای ذی‌نفعان واکنش متفاوتی نشان داده و انتخاب استراتژی‌های زیست محیطی نتیجه تلاش شرکت‌ها برای برآوردن خواسته‌های زیست محیطی ذی‌نفعان می‌باشد. ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که فشار ذی‌نفعان بر استراتژی زیست محیطی شرکت تأثیر داشته و به‌عنوان محرک قابل ملاحظه‌ای برای تغییر الگوهای استراتژیک از استراتژی زیست محیطی منفعل به استراتژی فعال زیست محیطی عمل می‌کند (دارنال و همکاران^۲، ۲۰۱۰).

بنابراین، شرکت‌ها در تدوین استراتژی‌های زیست محیطی، باید فشارهای ناشی از گروه‌های مختلف ذی‌نفعان را که به‌طور منظم با آن‌ها مواجه می‌شوند را به‌دقت ارزیابی نمایند (استورا و فیچورک، ۲۰۲۰). پژوهشگران متفق‌القول هستند که فشار فزاینده ذی‌نفعان اصلی، شرکت‌ها را به پذیرش اقدامات داوطلبانه زیست محیطی (ابرو و همکاران^۳، ۲۰۱۳؛ گرانسیز و همکاران، ۲۰۱۲؛ سارکیس و همکاران^۴، ۲۰۱۰) و انتخاب استراتژی زیست محیطی فعال ترغیب می‌کند (گارسیز و همکاران، ۲۰۱۲؛ دارنال و همکاران، ۲۰۱۰).

لذا، با توجه به موارد مزبور، فرضیه اول پژوهش به شرح ذیل بیان می‌گردد:

فرضیه اول: بین فشار ذی‌نفعان و انتخاب استراتژی زیست محیطی فعال رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

اندازه شرکت، فشار ذی‌نفعان و انتخاب استراتژی زیست محیطی فعال

اندازه شرکت می‌تواند به‌عنوان متغیر توضیحی مهم برای تمایز شرکت‌های فعال از شرکت‌های کمتر فعال در حوزه محیط زیست شناخته شود (سروکا-سولتا و فیچوریکا، ۲۰۲۳). شرکت‌های بزرگ دسترسی بیشتری به منابع داشته و از قابلیت دید و توجه بالاتر در میان ذی‌نفعان

1 Verbeke

2 Darnall et al

3 Abreu et al

4 Sarkis et al

برخوردار می‌باشند (استورا و فیچورک، ۲۰۲۰). داشتن اندازه بزرگ‌تر و به تبع منابع مالی کافی می‌تواند شرکت را در تولید بیشتر و صرف هزینه‌های تولید و بازاریابی بیشتر یاری نماید که در نهایت برای شرکت مزیت رقابتی ایجاد می‌کند (شوروزی و پهلوان، ۱۳۸۹).

در مقابل، شرکت‌های کوچک و متوسط منابع کمتری نسبت به شرکت‌های بزرگ‌تر دارند. لذا، برای حفظ و ایجاد مزیت رقابتی باید به دنبال راه کارهای دیگری باشند (دیان و همکاران^۱، ۱۹۹۸) که یکی از آنها پذیرش استراتژی زیست‌محیطی می‌باشد (دارنال و همکاران، ۲۰۱۰). از طرف دیگر، بیشتر مطالعات نشان می‌دهند که مقررات زیست‌محیطی، هزینه بیشتری را بر شرکت‌های کوچک نسبت به شرکت‌های بزرگ‌تر تحمیل می‌کنند و شرکت‌های بزرگ مزیت بالاتری در پرداخت این قبیل مخارج دارند. همچنین، این مقررات موانعی را برای ورود شرکت‌های جدید به عرصه رقابت ایجاد می‌کنند (دیان و براون، ۱۹۹۵؛ دیان و همکاران، ۲۰۰۰). موفقیت این گونه شرکت‌ها با تصمیم‌گیری و پاسخگویی سریع‌تر نسبت به مسائل زیست‌محیطی (که ناشی از انعطاف‌پذیری بیشتر است) تقویت خواهد شد (چن و هامبریک، ۱۹۹۵). لذا، شرکت‌های کوچک و متوسط با انجام بیشترین اقدامات پیشگیرانه زیست‌محیطی عملکرد مالی مثبت قابل توجهی را نشان می‌دهند (سروکا-سولتا و فیچوریکا، ۲۰۲۳).

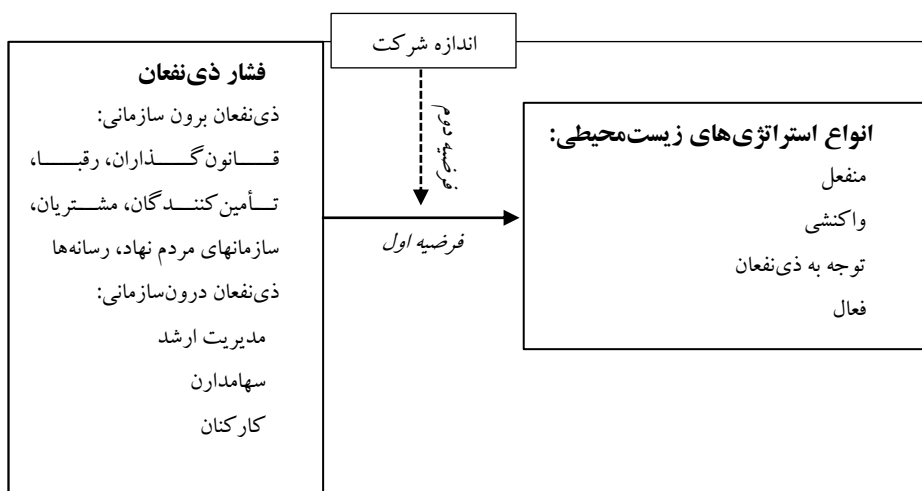
همچنین، از آنجا که شهرت عامل مهمی در موفقیت کسب و کارهای کوچک می‌باشد، شرکت‌های کوچک به احتمال زیاد نسبت به نگرانی‌های ذینفعان حساس‌تر هستند (بیسر، ۱۹۹۹). از طرف دیگر، بر خلاف شرکت‌های کوچک و متوسط، شرکت‌های بزرگ‌تر می‌توانند منابع بیشتری را برای مقاومت در برابر فشار ذینفعان از طریق لابی‌گری و دادخواهی برای تغییر استراتژی‌های زیست‌محیطی تخصیص دهند تا تسلیم نگرانی‌های ذینفعان نشوند (براون، ۲۰۰۲). به عبارت دیگر، احتمال بیشتری وجود دارد که شرکت‌های بزرگ‌تر هزینه‌های بیشتری را در رابطه با دعاوی طولانی مدت متحمل شوند (دارنال و همکاران، ۲۰۱۰).

1. Dean et al

در نتیجه، پیش‌بینی می‌شود که افزایش فشار سهامداران تأثیر کمتری بر پذیرش فعالیت‌های زیست محیطی فعال در شرکت‌های بزرگ‌تر نسبت به شرکت‌های کوچک‌تر داشته باشد. لذا، فرضیه دوم پژوهش به شرح ذیل مطرح می‌گردد:

فرضیه دوم: اندازه شرکت ارتباط بین فشار ذی‌نفعان و انتخاب استراتژی زیست محیطی فعال را تضعیف می‌کند.

شکل ۱. الگوی شماتیک فرضیه‌های پژوهش



منبع: یافته‌های پژوهش

پیشینه پژوهش

شعری آناقیز و همکاران (۱۴۰۲) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر چگونگی ارائه اطلاعات صورت‌های مالی بر فرایند قضاوت و تصمیم‌گیری باتوجه به نقش یکپارچگی اقلام مالی با استفاده از رویکرد شبه آزمایشی پرداختند. است. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که الگوی ارائه یکپارچه بر قضاوت و تصمیم سرمایه‌گذاران از طریق کاهش تلاش شناختی تأثیرگذار بوده و این الگو باعث بهبود قضاوت و تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران می‌شود.

کرمی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر ویژگی‌های هیئت مدیره بر رابطه مسئولیت اجتماعی و عملکرد مالی شرکت پرداختند. نتایج حاصل از مطالعه آنها نشان داد، مسئولیت اجتماعی و اندازه هیئت مدیره ارتباط مثبت و معناداری با عملکرد مالی داشته‌اند، همچنین متغیرهای تعدیل‌گر اندازه هیئت مدیره و استقلال هیئت مدیره رابطه بین مسئولیت اجتماعی و عملکرد مالی را تشدید کرده‌اند.

سلیمانی و یزدی (۱۳۹۸)، پژوهشی مبتنی بر معادلات ساختاری با هدف بررسی تأثیر استراتژی زیست‌محیطی شرکت، تعهد مدیریت شرکت و عدم اطمینان زیست‌محیطی با تأکید بر نقش حسابداری زیست‌محیطی، بر عملکرد زیست‌محیطی شرکت انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که (۱) استراتژی زیست‌محیطی بر عملکرد زیست‌محیطی شرکت‌ها تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد؛ (۲) استراتژی‌های زیست‌محیطی تأثیر مثبت غیرمستقیمی بر عملکرد زیست‌محیطی شرکت از طریق حسابداری مدیریت زیست‌محیطی دارند؛ (۳) تعهد مدیریت ارشد بر عملکرد زیست‌محیطی سازمانی تأثیر مثبت معنی‌داری دارد؛ (۴) تعهد مدیریت ارشد به صورت غیرمستقیم بر عملکرد زیست‌محیطی شرکت از طریق حسابداری مدیریت زیست‌محیطی تأثیر مثبت و معنی‌دار دارد؛ (۵) عدم اطمینان محیطی درک شده بر استفاده از حسابداری مدیریت زیست‌محیطی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

بادنوروز (۱۳۹۸)، تأثیر استراتژی‌های زیست‌محیطی و تعهد مدیران بر عملکرد زیست‌محیطی در صنعت نفت و گاز را مورد آزمون قرار دادند. وی به کمک نرم‌افزار اسمارت پی ال اس اثبات کرد که استراتژی زیست‌محیطی شرکتی و تعهد مدیریت ارشد می‌تواند عملکرد زیست‌محیطی شرکت‌ها را بهبود بخشد و توجه به دانش‌های زیست‌محیطی و استفاده از آن‌ها در سازمان، ابزار مفید و مهمی در عملکرد برتر زیست‌محیطی شرکت‌های فعال در صنعت نفت و گاز است.

پورخانی ذاکله بری و جهان‌شاد (۱۴۰۰)، در پژوهش خود به ارائه الگویی برای افشاء پایداری شرکتی و ارزیابی عوامل مرتبط با تئوری مشروعیت بر گزارشگری آن پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که از مجموع ۱۶۹ مؤلفه مورد بررسی، ۸۰ مؤلفه برای الگوی پایداری شرکتی بسیار ضروری است. همچنین حساسیت شرکت در صنعت بر شاخص کل پایداری شرکتی، افشاء از جنبه اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی تأثیر مستقیم دارد اما بر افشاء پایداری از جنبه عمومی

تأثیر ندارد. مکان شرکت بر افشاء پایداری شرکتی از جنبه اجتماعی تأثیر مستقیم دارد اما بر شاخص کل پایداری شرکتی، افشاء از جنبه عمومی، اقتصادی و زیست محیطی تأثیر ندارد. در نهایت عمر شرکت بر شاخص کل و تمامی جنبه‌های پایداری شرکتی تأثیر مستقیم دارد.

قنبری قلعه‌رودخانی و همکاران (۱۴۰۰)، از طریق تجزیه و تحلیل داده‌های ۸۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ به بررسی عملکرد مسئولیت اجتماعی و افشای اطلاعات زیست محیطی بر اساس نظریه توسعه پایدار پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که تنها ۳۲ درصد شرکت‌های مورد بررسی در خصوص مسئولیت اجتماعی و افشاء زیست محیطی عملکردی بالاتر از حد متوسط داشته‌اند و در بین آنها ایران خودرو از صنعت خودرو و ساخت قطعات برتر عملکرد از آن خود نموده است.

بابایی و همکاران (۱۴۰۱)، پژوهشی با عنوان «رابطه بین عملکرد پایداری شرکتی و ارزش شرکت: با تأکید بر نقش امتیاز افشاء و اندازه شرکت» و با در نظر گرفتن ۹۲ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ انجام دادند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که بین ابعاد مالی (بعد اقتصادی) و غیر مالی عملکرد پایداری شرکتی (ابعاد اجتماعی، حاکمیتی، زیست محیطی و اخلاقی) و ارزش شرکت رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و شرکت‌هایی که عملکرد پایداری بالاتری دارند، تأثیر عملکرد پایداری بر ارزش شرکت در آنها بیشتر است. همچنین، شرکت‌هایی که امتیاز افشای بالاتری دارند، تأثیر عملکرد پایداری بر ارزش شرکت در شرکت‌های بزرگ و کوچک تقریباً برابر است.

پونگ‌انگ‌وین و آدوماکو^۱ (۲۰۲۰)، مطالعه‌ای با عنوان «استراتژی زیست محیطی فعال، استراتژی رقابتی و عملکرد بازار: نقش تعدیل‌گری شهرت زیست محیطی» انجام دادند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که استراتژی زیست محیطی فعال به‌طور مثبت شهرت زیست محیطی را افزایش می‌دهد. همچنین، تأثیر استراتژی زیست محیطی فعال بر عملکرد بازار با شهرت زیست محیطی تعدیل می‌شود.

نادیم و همکاران^۲ (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «آیا سرمایه‌سازمانی بر استراتژی‌های زیست محیطی اثر دارد؟ شواهدی از نوآوری زیست محیطی» نشان دادند که رابطه مثبت و معنی‌داری

1. Phong Nguyen & Adomako

2. Nadeem et al

بین سرمایه‌سازمانی و نوآوری در فرایند و نوآوری محصول وجود دارد. همچنین، این رابطه در صنایع با سودآوری بالا و صنایع حساس قوی‌تر است.

پیتر و همکاران (۲۰۲۱)، در مطالعه‌ای با عنوان «تاثیر استراتژی زیست‌محیطی، گزارشگری زیست‌محیطی و سیستم کنترل مدیریت محیط‌زیست بر عملکرد زیست‌محیطی و اقتصادی» نشان دادند که استراتژی زیست‌محیطی تاثیر مثبتی بر استفاده از سیستم کنترل مدیریت محیط‌زیست و تاثیر مثبت غیرمستقیم بر عملکرد زیست‌محیطی دارد. همچنین، سیستم کنترل مدیریت محیط‌زیست تاثیر مثبتی بر عملکرد زیست‌محیطی و در نهایت بر عملکرد اقتصادی دارد.

آفتاب و همکاران (۲۰۲۲)، مطالعه‌ای با عنوان «اخلاق زیست‌محیطی، نوآوری سبز و عملکرد پایدار: بررسی نقش رهبری زیست‌محیطی و استراتژی زیست‌محیطی» انجام دادند. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از این بود که نوآوری سبز رابطه بین اخلاق زیست‌محیطی شرکتی و عملکرد پایدار (اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی) را تعدیل می‌کند. علاوه بر این، رهبری زیست‌محیطی به‌طور مثبت اخلاق زیست‌محیطی شرکت و پیوند نوآوری سبز را تعدیل می‌کند. همچنین، استراتژی زیست‌محیطی تاثیر نوآوری سبز را بر عملکرد زیست‌محیطی و اقتصادی تقویت می‌نماید.

گاناراتی و همکاران (۲۰۲۲)، به بررسی «چالش یکپارچگی بین استراتژی زیست‌محیطی و حسابداری مدیریت زیست‌محیطی» پرداختند. آنها نشان دادند هنگامی که سازمان‌ها از استراتژی‌های واکنشی به زیست‌محیطی پیشگیرانه پیشرفت می‌کنند، حسابداری مدیریت زیست‌محیطی برای تنوع بخشیدن به فعالیت‌های مدیریت زیست‌محیطی پیچیده‌تر توسعه می‌یابد.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری و روش پژوهش

پژوهش حاضر، کاربردی، توصیفی و از نوع پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش را مدیران واحد حسابداری مدیریت و یا در صورت نبود این سمت در شرکت، مدیریت مالی کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار در تمامی صنایع تشکیل داده‌اند. گردآوری داده‌ها

به روش میدانی و با استفاده از ابزار پرسشنامه رتبه‌بندی شده بر اساس طیف لیکرت^۱ پنج امتیازی انجام شده است. در پژوهش حاضر برای بررسی و ارزیابی روایی (اعتبار) هر سازه در پرسشنامه از شاخص میانگین واریانس استخراج شده^۲ استفاده شده است. پژوهشگران مقدار ۰/۵ به بالا را برای مناسب بودن این شاخص تعیین نموده‌اند. همچنین، به‌منظور بررسی پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ^۳ استفاده گردیده است. بر اساس نتایج حاصل از بررسی روایی و پایایی که در جدول ۱ ارائه شده است، چون ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی بیشتر از مقدار استاندارد ۰/۷ و مقدار روایی همگرا، بیشتر از مقدار استاندارد ۰/۵ می‌باشد، پایایی و روایی پرسشنامه‌های توزیعی تأیید می‌گردد.

جدول ۱. نتایج بررسی روایی و پایایی پرسشنامه‌ها

متغیر	پایایی	
	ضریب آلفای کرونباخ (Alpha > 0/7)	پایایی ترکیبی (CR > 0/7)
فشار ذینفعان	۰/۸۵۶	۰/۷۲۰
استراتژی‌های زیست محیطی	۰/۸۰۲	۰/۷۱۹
اندازه شرکت	۰/۸۶۴	۰/۸۰۲

منبع: یافته‌های پژوهش

در این مطالعه برای تعیین حجم نمونه، فرمول کوکران به شرح ذیل به کار رفته است:

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left[\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right]}$$

در این فرمول p و q نسبت موفقیت و شکست هستند که ۰/۵ در نظر گرفته شده است. مقدار z در سطح خطای ۰/۵ برابر ۱/۹۶ است. مقدار خطای d نیز ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است و N معرف حجم جامعه موردنظر می‌باشد. با کمک فرمول نمونه‌گیری کوکران، تعداد ۲۲۴ شرکت به‌طور تصادفی در صنایع مختلف به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. در این راستا، ۲۵۳ پرسشنامه

1 Likert scale

2 Average Variance Extracted (AVE)

3 Cronbach's alpha

با استفاده از ایمیل توزیع شد که ۷۸ درصد آنها پاسخ داده شدند. پس از گردآوری اطلاعات حاصل از مطالعه پرسشنامه‌های توزیعی، داده‌های حاصل با تحلیل عاملی و روش تحلیل مسیر و با استفاده از نرم‌افزار Excel و SmartPLS مورد تحلیل قرار گرفتند.

مدل پژوهش و متغیرها

روش آماری انتخاب شده این مطالعه، تحلیل رگرسیون لجستیک است. در این رگرسیون، احتمال یک پیامد دو ارزشی به تعدادی متغیر پیش‌بینی کننده متقابل ارتباط داده خواهد شد. در این راستا، مدل ۱ و ۲ به شرح ذیل جهت آزمون فرضیه‌های اول و دوم مورد توجه قرار می‌گیرند:

مدل ۱،

$$\text{Logit}(P(Y=1)) = \beta_0 + \beta_1 SP + \varepsilon$$

که در آن؛

$\text{Logit}(P(Y=1))$ ، متغیر وابسته (استراتژی زیست محیطی)؛ SP ، متغیر مستقل (فشار ذی‌نفعان) می‌باشد.

مدل ۲؛

$$\text{Logit}(P(Y=1)) = \beta_0 + \beta_1 SP + \beta_2 \text{Size} + \beta_3 SP * \text{Size} + \varepsilon$$

که در آن؛ Size ، اندازه شرکت می‌باشد.

متغیر وابسته

استراتژی زیست محیطی^۱ (ES): جهت اندازه‌گیری نوع استراتژی شرکت (استراتژی منفعل، واکنشی، توجه به ذی‌نفعان و فعال)، سؤالاتی در قالب پرسشنامه بر اساس پژوهش انجام شده توسط موریلو و همکاران (۲۰۰۸) و مبتنی بر پژوهش استورا و فیچورک (۲۰۲۰) استفاده شده است. پرسش‌نامه مزبور در پیوست ۱ ارائه شده است. در تدوین پرسشنامه، عنوان هر استراتژی ذکر نشده و از پاسخ‌دهندگان خواسته شده است تا مرتبط‌ترین مجموعه گویه‌ها را با وضعیت فعلی شرکت خود انتخاب نمایند. بدین ترتیب مقادیر متغیر وابسته به صورت استراتژی منفعل=۱، استراتژی

1. Environmental Strategy

واکنشی=۲، استراتژی توجه به ذی‌نفعان=۳ و استراتژی فعال=۴ کدگذاری شده است. البته قابل ذکر است که کدهای ۱ تا ۴ حالت ترتیبی نداشته است بلکه متغیر وابسته پژوهش یک متغیر اسمی چند وجهی است.

متغیر مستقل

فشار ذی‌نفعان^۱ (SP): در مطالعه حاضر، جهت شناسایی گروه‌های ذینفع به پیروزی از پژوهش موریلو و همکاران (۲۰۰۸) و استورا و فیچورک (۲۰۲۰)، ذی‌نفعان به دو گروه کلی «ذی‌نفعان برون‌سازمانی» و «ذی‌نفعان درون‌سازمانی» طبقه‌بندی شده‌اند. ذی‌نفعان برون‌سازمانی شامل قانون‌گذاران^۲ (Law)، رقبا^۳ (CM)، تأمین‌کنندگان^۴ (SP)، مشتریان^۵ (CO)، سازمان‌های مردم‌نهاد^۶ (Ins) و رسانه‌ها^۷ (ME) بوده و ذی‌نفعان درون‌سازمانی شامل سهامداران^۸ (SH) و کارکنان^۹ (EM) می‌باشند. از پاسخ‌دهندگان خواسته شده است تا فشار اعمال‌شده توسط هر گروه از ذی‌نفعان را با توجه به انتخاب شیوه‌های زیست‌محیطی با استفاده از مقیاس ۵ درجه لیکرت ارزیابی کنند. در صورت فقدان هر نوع فشار عدد ۱ و فشار بسیار قوی عدد ۵ تعلق گرفته است.

متغیر تعدیل‌گر

اندازه شرکت (Size): در پژوهش حاضر به منظور تفکیک شرکت‌ها به اندازه کوچک، متوسط و بزرگ از روش چارک بندی لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها استفاده شد. به این ترتیب که شرکت‌هایی که در چارک اول قرار دارند، شرکت‌های کوچک، شرکت‌هایی که در چارک دوم و سوم قرار دارند به عنوان شرکت‌های متوسط و شرکت‌هایی که در چارک چهارم هستند به عنوان شرکت‌های بزرگ در نظر گرفته می‌شوند (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۰).

1. Stakeholder Pressure
2. Lawers
3. Competitors
4. Suppliers
5. Costumers
6. Institutes
7. Media
8. Shareholders
9. Employees

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

غالباً مفیدترین و درعین حال اولین قدم در سازمان‌دهی داده‌ها مرتب کردن داده‌ها بر اساس یک ملاک منطقی است. لذا با استفاده از آمار توصیفی می‌توان برای تعیین و بیان ویژگی‌های اطلاعات پژوهش‌ها استفاده نمود (یاری، ۱۳۸۵). بنابراین اطلاعات فراوانی متغیرهای جمعیت شناختی پژوهش حاضر که در بخش اول پرسشنامه در قالب سوالات عمومی مرتبط با ویژگی‌های فردی پاسخ‌دهندگان (شامل جنسیت، سطح تحصیلات، رشته تحصیلی، شغل یا سمت و سن) در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. اطلاعات فراوانی متغیرهای جمعیت شناختی

جنسیت			مدرک تحصیلی		
شرح	تعداد	درصد	شرح	تعداد	درصد
مرد	۱۶۷	٪۷۶	لیسانس	۱۵۱	٪۶۹
زن	۵۳	٪۲۴	فوق لیسانس	۴۸	٪۲۲
تعداد کل	۲۲۰	٪۱۰۰	دکتری	۲۱	٪۹
			تعداد کل	۲۲۰	٪۱۰۰
سمت			سن		
شرح	تعداد	درصد	شرح	تعداد	درصد
مدیر حسابرسی مدیریت	۱۵۹	٪۷۲	۲۲ تا ۳۰ سال	۳۵	٪۱۶
			۳۰ تا ۴۰ سال	۷۷	٪۳۵
مدیر مالی	۶۱	٪۲۸	۴۰ تا ۵۰ سال	۷۱	٪۳۲
			بالای ۵۰ سال	۳۷	٪۱۷
تعداد کل	۲۲۰	٪۱۰۰	تعداد کل	۲۲۰	٪۱۰۰
تحصیلات					
شرح	تعداد	درصد	شرح	تعداد	درصد
حسابداری	۶۶	٪۳۰	حسابداری مدیریت	۴۲	٪۱۹
تعداد کل		۲۲۰		٪۱۰۰	

منبع: یافته‌های پژوهش

آمار استنباطی

بررسی بار عاملی سوالات پرسشنامه‌ها

در این بخش به تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل بار عاملی پرداخته می‌شود. بارهای عاملی از طریق محاسبه مقدار همبستگی شاخص‌های یک سازه با آن سازه محاسبه می‌شوند. نتایج بررسی بار عاملی سوالات پرسشنامه‌ها در جدول ۳ نشان داده شده است. به لحاظ آنکه برای تمامی سوالات پرسشنامه‌ها، ضریب بار عاملی بیشتر از مقدار استاندارد ۰/۴ است، می‌توان نتیجه گرفت واریانس بین سازه و شاخص‌های آن؛ از واریانس خطای اندازه‌گیری آن سازه بیشتر بوده و پایایی آن در مورد مدل اندازه‌گیری قابل قبول است. به عبارت دیگر، چون ضریب بار عاملی سوالات از حد استاندارد بالاتر است، نیازی به حذف یا اصلاح هیچکدام از سوالات پرسشنامه نیست.

جدول ۳. نتایج بررسی بار عاملی سوالات پرسشنامه‌ها

پرسشنامه	سوال	بار عاملی	سوال	بار عاملی	سوال	بار عاملی	سوال	بار عاملی
فشار ذی‌نفعان	۱	۰/۴۲۵	۵	۰/۸۵۴	۹	۰/۵۰۴	۱۳	۰/۸۷۴
	۲	۰/۴۴۴	۶	۰/۶۹۵	۱۰	۰/۵۸۸		
	۳	۰/۶۲۵	۷	۰/۴۹۹	۱۱	۰/۵۹۶	۱۴	۰/۵۲۹
	۴	۰/۵۲۱	۸	۰/۵۰۰	۱۲	۰/۵۴۱		
استراتژی‌های زیست‌محیطی	۱	۰/۵۴۴	۵	۰/۵۶۵	۹	۰/۵۵۵	۱۳	۰/۵۶۵
	۲	۰/۵۶۹	۶	۰/۵۲۲	۱۰	۰/۵۹۵		
	۳	۰/۶۲۵	۷	۰/۴۷۷	۱۱	۰/۵۷۸	۱۴	۰/۴۷۱
	۴	۰/۶۵۵	۸	۰/۴۹۶	۱۲	۰/۶۹۹		
اندازه شرکت	۱	۰/۴۴۸	۴	۰/۴۸۷	۷	۰/۷۸۵	۱۰	۰/۴۶۰
	۲	۰/۵۰۲	۵	۰/۴۱۰	۸	۰/۵۹۹		
	۳	۰/۵۹۳	۶	۰/۴۴۴	۹	۰/۶۰۲		

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های پژوهش بر اساس بررسی ضریب مسیر و مقدار آماره t بررسی و نتایج حاصل از بررسی در جدول ۴ ارائه شده است.

در آزمون فرضیه اول، ضریب مسیر متغیر فشار ذینفعان برابر $0/241$ و مقدار آماره t متغیر مذکور برابر $4/141$ بوده و چون علامت آماره مذکور، مثبت بوده مقدار آن بیشتر از مقدار استاندارد $1/96$ است؛ دال بر این مطلب دارد که بین فشار ذینفعان و انتخاب استراتژی‌های زیست محیطی رابطه مثبت و معناداری وجود داشته و حکایت از تأیید فرضیه اول دارد. بر اساس ضریب تعیین مدل، حدود 73% تغییرات استراتژی‌های زیست محیطی توسط تغییرات فشار ذینفعان توضیح داده می‌شود.

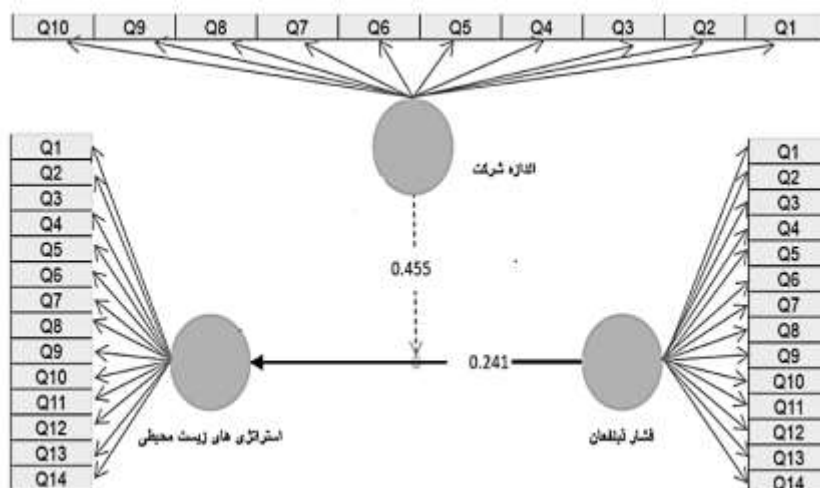
در آزمون فرضیه دوم، ضریب مسیر متغیر تعاملی فشار ذینفعان و اندازه شرکت برابر $0/455$ و مقدار آماره t متغیر مذکور برابر $0/718$ بوده و چون علامت آماره مذکور، مثبت بوده مقدار آن کمتر از مقدار استاندارد $1/96$ است؛ دال بر این مطلب دارد که اندازه شرکت ارتباط بین فشار ذینفعان و استراتژی‌های زیست محیطی را تضعیف نکرده و فرضیه دوم پژوهش رد می‌شود. بر اساس ضریب تعیین مدل، حدود 10% تغییرات استراتژی‌های زیست محیطی توسط تغییرات تعامل فشار ذینفعان و اندازه شرکت توضیح داده می‌شود. نمودار مربوط به آزمون معادلات ساختاری نیز در ذیل ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج بررسی فرضیه‌های پژوهش

متغیر	ضریب مسیر (β)	آماره t	ضریب تعیین (R^2)
فشار ذینفعان	$0/241$	$4/141$	73%
تعامل فشار ذینفعان و اندازه شرکت	$0/455$	$0/718$	10%

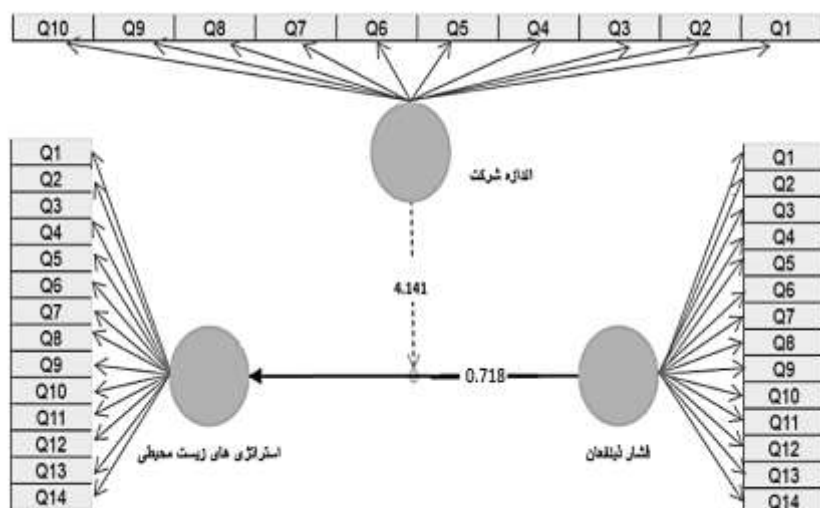
منبع: یافته‌های پژوهش

نمودار ۱. نمودار معادلات ساختاری در حالت تخمین ضرایب مسیر



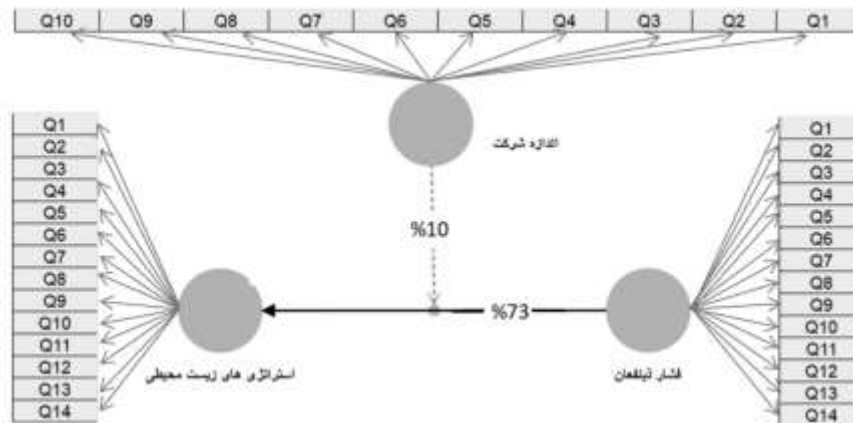
منبع: یافته‌های پژوهش

نمودار ۲. نمودار معادلات ساختاری در حالت تخمین ضرایب t



منبع: یافته‌های پژوهش

نمودار ۳. نمودار معادلات ساختاری بر اساس ضریب تعیین



منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

خطاهای زیست محیطی می‌تواند به راحتی بازارها و ارزش یک شرکت را از بین ببرد. در بازارهای کنونی، شرکت‌هایی که تفکر زیست محیطی را به استراتژی خود اضافه نمی‌کنند، به شدت با ریسک از دست دادن فرصت‌ها روبه‌رو هستند. " (استی و وینستون^۱، ۲۰۰۶). لذا این مطالعه با تأکید بر کاربرد استراتژی‌های زیست محیطی، به بررسی تأثیر فشار ذی‌نفعان بر انتخاب استراتژی زیست محیطی فعال و همچنین نقش تعدیل‌گری اندازه شرکت پرداخته است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش، بیانگر این مطلب بود که بین فشار ذی‌نفعان و انتخاب استراتژی‌های زیست محیطی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این تأثیر با توجه به ضریب تعیین (۰,۷۳) قوی، و با توجه به احتمال PLS، معنادار می‌باشد. با توجه به این امر؛ فرضیه اول تأیید گردید. نتیجه حاصل از آزمون فرضیه اول همراستا با تئوری‌های ذی‌نفعان و تئوری منابع می‌باشد. زیرا شرکت‌ها از طریق انتخاب استراتژی زیست محیطی فعال به فشار ذی‌نفعان واکنش نشان می‌دهند. لذا، به تبعیت از تئوری ذی‌نفعان، شرکت‌ها به دنبال محقق نمودن اهداف ذی‌نفعان هستند. از طرف دیگر، بر اساس تئوری منافع، شرکت‌ها با واکنش به نیاز ذی‌نفعان در خصوص

1 Esty & Winston

پذیرش استراتژی‌های داوطلبانه زیست محیطی می‌تواند منابع محدود را در فعالیت خود جذب نمایند. همچنین، این یافته‌ها در انطباق با مطالعات سروکا-استولا و فیچورک (۲۰۲۳) و بنی‌مهد و بیگی (۱۳۹۱) می‌باشد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش، بیانگر این مطلب بود که اندازه شرکت ارتباط بین فشار ذینفعان و استراتژی‌های زیست محیطی را تضعیف نمی‌کند. این تأثیر با توجه به ضریب تعیین (۰٫۱۰)، ضعیف، و با توجه به احتمال PLS، معنادار نمی‌باشد. با توجه به این امر؛ فرضیه سوم رد گردید که این یافته‌ها همراستا با نتایج حاصل از پژوهش سروکا-استولا و فیچورک (۲۰۲۳) و در تضاد با یافته‌های نیکبخت و همکاران (۱۳۹۸) می‌باشد.

با توجه به نتایج کسب شده از مطالعه حاصل، به مدیران پیشنهاد می‌گردد که از طریق افشای بیشتر اطلاعات مرتبط با ذینفعان، زمینه‌های بهبود استراتژی‌های زیست محیطی شرکت‌های تحت کنترل را فراهم آورند. به سرمایه‌گذاران نیز پیشنهاد می‌گردد که به رتبه‌بندی شرکت‌های نمونه بر اساس میزان توجه به فشار ذینفعان پرداخته و تلاش خود را برای سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی که در سطح بالایی از نظر استراتژی‌های زیست محیطی وجود دارند؛ به حداکثر رسانند. به‌طور مشابه، به مراجع استاندارد‌گذاری نیز پیشنهاد می‌گردد به تدوین استانداردهای لازم برای سنجش صحیح استراتژی‌های زیست محیطی مبادرت ورزند.

در جهت روشن شدن ابعاد مختلف اهمیت پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌گردد محققین آتی به انجام پژوهش‌های آتی زیر اهتمام ورزند:

- بررسی رابطه بین فشار ذینفعان و انتخاب استراتژی زیست محیطی فعال به تفکیک صنایع مختلف
- بررسی رابطه بین فشار ذینفعان و انتخاب استراتژی زیست محیطی فعال در دوره چرخه عمر شرکت‌ها
- بررسی رابطه بین فشار ذینفعان و انتخاب استراتژی زیست محیطی فعال در دوره سیکل‌های تجاری.

فهرست منابع

- امیدفر، حسین؛ برزگر، قدرت الله. (۱۳۹۹). تأثیر راهبرد های دانش محور شرکت ها بر ایجاد ارزش و پایداری. پژوهش های راهبردی بودجه و مالیه، ۱(۲)، ۱۰۸-۱۳۱. https://fbarj.ihu.ac.ir/article_205434.html?lang=fa
- بابائی، فاطمه؛ رحمانی، علی، همایون، سعید؛ امین، وحید. (۱۴۰۰). رابطه بین عملکرد پایداری شرکتی و ارزش شرکت: با تأکید بر نقش امتیاز افشا و اندازه شرکت. مجله دانش حسابداری، ۱۲(۳)، ۲۷-۱. doi: 10.22103/jak.2021.16583.3340
- بادنورد، زهرا. (۱۳۹۸). تأثیر استراتژی های زیست محیطی و تعهد مدیران بر عملکرد زیست محیطی در صنعت نفت و گاز. ماهنامه علمی اکتشاف و تولید نفت و گاز، ۱۹۶، صص ۳۱-۳۷.
- بنایی قدیم، رحیم؛ کریمی، زینب، و واعظ، سیدعلی. (۱۴۰۱). تأثیر ابعاد مسئولیت پذیری اجتماعی بر قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری. پژوهش های راهبردی بودجه و مالی، ۳(۴)، ۴۵-۱۱. https://journals.ihu.ac.ir/article_207779.html?lang=en
- پورخانی ذاکله بری، مظفر، جهانشاد، آزیتا. (۱۴۰۰). ارائه الگو برای افشاء پایداری شرکتی و ارزیابی عوامل مرتبط با تئوری مشروعیت بر گزارشگری آن. پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۳(۴۹): ۱۷۷-۲۰۴. <https://dori.net/dor/20.1001.1.23830379.1400.13.49.18.3>
- خرم آبادی، مهدی؛ لشگر آراء، سهیلا؛ پورغلامرضا، ندا. (۱۴۰۱). بررسی نقش کیفیت حاکمیت شرکتی بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت ها و اجتناب مالیاتی. پژوهش های راهبردی بودجه و مالیه، ۳(۱)، ۹۷-۱۲۵. https://fbarj.ihu.ac.ir/article_207330.html
- سلمانی، غلامرضا؛ مجبوری یزدی، هدی. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر استراتژی زیست محیطی، عدم اطمینان زیست محیطی و تعهد مدیریت ارشد بر عملکرد زیست محیطی شرکت: نقش حسابداری مدیریت زیست محیطی. نشریه علمی حسابداری مدیریت، ۱۲(۴۳)، ۸۷-۱۰۴. https://jma.srbiau.ac.ir/article_14898.html
- شمس الدینی، کاظم؛ نعمتی، میثم و عسکری شاهم آبادی، مهدی. (۱۴۰۱). ارائه مدلی به منظور توسعه مسئولیت اجتماعی شرکت ها. حسابداری و منافع اجتماعی، ۱(۱)، ۱۱۵-۱۵۶، ۲۲۰۵۱/۱۰.۲۲۰۵۱.۱۵۶-۱۱۵. JAASCI.2022.39507.1676
- شورورزی، محمدرضا، و پهلوان، رحیم. (۱۳۸۹). تأثیر اندازه شرکت بر هموارسازی سود. آینده پژوهی مدیریت (پژوهش های مدیریت)، ۲۱(۸۷)، ۶۹-۸۰. https://journals.srbiau.ac.ir/article_5111.html
- شعری آناقیز، صابر؛ ابراهیمی سرو علیا، محمد حسن، بولو؛ قاسم، افتخاری، وحید. (۱۴۰۲). تاثیر رایحه اطلاعات یکپارچه صورت های مالی بر فرآیند قضاوت و تصمیم سرمایه گذاران با استفاده از رویکرد شبه آزمایشی. مطالعات حسابرسی مطهر، ۱(۲)، ۴۱-۷۰. https://masj.ihu.ac.ir/article_208571.html
- قنبری قلعه رودخانی، مصطفی؛ وطن پرست، محمدرضا و آزادی، کیهان. (۱۴۰۰). عملکرد مسئولیت اجتماعی و افشا اطلاعات زیست محیطی: آزمون نظریه توسعه پایدار با استفاده از منطق فازی. دانش حسابداری و حسابداری مدیریت، ۱۰(۴۰)، ۸۹-۱۰۵. https://jmaak.srbiau.ac.ir/article_18143.html
- کرمی، مسعود، نصر اصفهانی، علیرضا & دانشیار، فاطمه. (۱۴۰۲). بررسی تأثیر ویژگی های هیئت مدیره بر رابطه مسئولیت اجتماعی و عملکرد مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات حسابرسی مطهر ۱(۲)، ۷۱-۹۱. https://masj.ihu.ac.ir/article_208555.html

- Abreu, M. C. S., Castro, F. C., & Lazaro, J. C. (2013). Stakeholder influence on environmental proactivity of Brazilian companies. *Revista de Contabilidade e Organizações*, 7(17), 20–32. <http://dx.doi.org/10.11606%2Frco.v7i17.56693>
- Aftab, J., Abid, N., Sarwar, H., Veneziani, M. (2022). Environmental ethics, green innovation, and sustainable performance: Exploring the role of environmental leadership and environmental strategy. *Journal of Cleaner Production*, 378, 1-15, <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2022.134639>
- Aragon D. & Ortiz G. (2016). What we know and don't know about corporate social responsibility a review and research agenda. *Journal of management*, 38(4), 932-968. <https://doi.org/10.1177/0149206311436079>
- Babaei, F., Rahmani, A., Homayoun, S., & Amin, V. (2021). The Relationship between Corporate Sustainability Performance and Firm Value: Emphasizing the Role of Disclosure Score and Firm Size. *Journal of Accounting Knowledge*, 12(3), 1-27. [In Persian], <https://doi.org/10.22103/jak.2021.16583.3340>
- Badnorouz, Z. (2018). The effect of environmental strategies and managers' commitment on environmental performance in the oil and gas industry. *Scientific monthly oil and gas exploration and production*. 1398; 168, 31-37, [In Persian], <http://ekteshaf.nioc.ir/article-1-2656-fa.html>
- Banabi Kaidim, R., Karimi, Z., Waez, S. A. (1401). The effect of social responsibility dimensions on comparability of accounting information. *Budget and Finance Strategic Researches*, 3(4), 0-0. [In Persian], https://journals.ihu.ac.ir/article_207779.html?lang=en
- Buyse, K., & Verbeke, A. (2003). Proactive environmental strategies: A stakeholder management perspective. *Strategic Management Journal*, 24(5), 453–470. <https://doi.org/10.1002/smj.299>
- Burritt, R.L., Herzig, C., Schaltegger, S. and Viere, T. (2019), “Diffusion of environmental management accounting for cleaner production: evidence from some case studies”, *Journal of Cleaner Production*, Vol. 224, 479-491, <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2019.03.227>
- Cormier, D., Magnan, M., Barbara, M., Velthoven, V. (2005). Environmental disclosure quality in large German companies: economic incentives, public pressures or institutional conditions? *European accounting review*, 14(1), 3-39. <http://dx.doi.org/10.1080/0963818042000339617>
- Clarkson, M. (1995). A stakeholder framework for analyzing and evaluating corporate social performance. *Academy of Management Review*, 20, 92–117. <https://doi.org/10.5465/amr.1995.9503271994>
- Darnall, N., Henriques, I., & Sadorsky, P. (2010). Adopting proactive environmental strategy: The influence of stakeholders and firm size. *Journal of management studies*, 47(6), 1072–1094. <https://doi.org/10.1111/j.1467-6486.2009.00873.x>
- Dean, T. J. and Brown, R. L. (1995). Pollution regulation as a barrier to new firm entry: initial evidence and implications for future research. *Academy of Management Journal*, 38, 288–303. <https://doi.org/10.2307/256737>
- Dean, T. J., Brown, R. L. and Bamford, C. E. (1998). Differences in large and small firm responses to environmental context: strategic implications form a comparative analysis of business formations. *Strategic Management Journal*, 19, 709–28. [https://doi.org/10.1002/\(SICI\)1097-0266\(199808\)19:8<709::AID-SMJ966>3.0.CO;2-9](https://doi.org/10.1002/(SICI)1097-0266(199808)19:8<709::AID-SMJ966>3.0.CO;2-9)
- Dean, T. J., Brown, R. L. and Stango, V. (2000). Environmental regulation as a barrier to the formation of small manufacturing establishments: a longitudinal examination. *Journal of Environmental Economics and Management*, 40, 56–75. <https://doi.org/10.1006/jeem.1999.1105>

- Degryse, H., de Goeij, P. & Kappert, P. (2012). The impact of firm and industry characteristics on small firms' capital structure. *Small Business Economics*, 38, 431-447. <https://doi.org/10.1007/s11187-010-9281-8>
- Driessen, P. H., & Hillebrand, B. (2013). Integrating multiple stakeholder issues in new product development: An exploration. *Journal of Product Innovation Management*, 30, 364-379. <https://doi.org/10.1111/j.1540-5885.2012.01004.x>
- Ernst, R.-A., Gerken, M., Hack, A., & Hülsbeck, M. (2022). SMES' reluctance to embrace corporate sustainability: The effect of stakeholder pressure on self-determination and the role of social proximity. *Journal of Cleaner Production*, 335, 130-273. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2021.130273>
- Garcés, C., Rivera-Torres, P., & Murillo-Luna, J. L. (2012). Stakeholder pressure and environmental proactivity: Moderating effect of competitive advantage expectations. *Management Decision*, 50(2), 189-206. <https://doi.org/10.1108/00251741211203524>
- Ghanbari Qala Roudkhani, M., Watanparast, M. R., Azadi, K. (1400). Social responsibility performance and environmental disclosure: Testing sustainable development theory using fuzzy logic. *Knowledge of Accounting and Management Audit*, 10(40), 89-105. [In Persian]. https://jmaak.srbiau.ac.ir/article_18143.html
- Gunarathne, N., Lee, K.-H., Hitigala Kaluar achchilage, P.K. (2023). Tackling the integration challenge between environmental strategy and environmental management accountin. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 36 (1), 63-95. <https://doi.org/10.1108/AAAJ-03-2020-4452>
- Hart, S. L. (1995). A natural-resource-based view of the firm. *Academy of management review*, 20(4), 986-1014. <https://doi.org/10.5465/amr.1995.9512280033>
- Khorramabadi, M., Lashgarara, S., Pourgholamreza, N. (1401). Investigating the role of corporate governance quality on the relationship between corporate social responsibility and tax avoidance. *Budget and Finance Strategic Research*, 3(1), 125-97. [In Persian]. https://fbarj.ihu.ac.ir/article_207330.html
- Latan, H., Jabbour, C. J. C., de Sousa Jabbour, A. B. L., Wamba, S. F., & Shahbaz, M. (2018). Effects of environmental strategy, environmental uncertainty and top management's commitment on corporate environmental performance: The role of environmental management accounting. *Journal of cleaner production*, 180, 297306-. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2018.01.106>
- Luft Mobus, J. (2005). "Mandatory environmental disclosures in a legitimacy theory context", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 18(4) , 492-517. <https://doi.org/10.1108/09513570510609333>
- Murillo-Luna, J. L., Garcés-Ayerbe, C., & Rivera-Torres, P. (2011). Barriers to the adoption of proactive environmental strategies. *Journal of Cleaner Production*, 19(13), 1417-1425. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2011.05.005>
- Lannelongue, G., González-Benito, J. (2011). Opportunism and environmental management systems: Certification as a smokescreen for stakeholders. *Ecological Economics*, 82, 11-22. <https://doi.org/10.1016/j.ecolecon.2012.08.003>
- Nadeem, M., Bahadar, S., Zaman, R., Farooq, M. B. (2021). Does organisational capital influence environmental strategies? Evidence from environmental innovation. *Business Strategy and the Environment*, 30(8), 4121-4135, <https://doi.org/10.1002/bse.2860>
- Omidfar, H., & Barzgar, G. (2020). The Effect of Companies' Knowledge-Based Strategies on Value Creation and Sustainability through a Comparative Approach between Traditional and Non-traditional Industries. *Budget and Finance Strategic Research*, 1(2), 108-131. [In Persian]. https://fbarj.ihu.ac.ir/article_205434.html?lang=en

- Ozdemir, S., Arroyabe, J. C. F., Sena, V., Gupta. S. (2023). Stakeholder diversity and collaborative innovation: Integrating the resource-based view with stakeholder theory. *Journal of Business Research*, 164, 113955, <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2023.113955>
- Petera P, Wagner J, Pakšiová R. (2021). The Influence of Environmental Strategy, Environmental Reporting and Environmental Management Control System on Environmental and Economic Performance. *Energies*, 14(15), 4637. <https://doi.org/10.3390/en14154637>
- Phong Nguyen, N., Adomako, S. (2020). Environmental proactivity, competitive strategy, and market performance: The mediating role of environmental reputation. *Business Strategy and the Environment*, 30(4), 2008-2020, <https://doi.org/10.1002/bse.2729>
- Roome, N. (1992). Developing environmental management strategies. *Business Strategy and the Environment*, 1(1), 11–24. <https://doi.org/10.1002/bse.3280010104>
- Saleem, F.; Qureshi, S.S.; Malik, M.I. (2021). Impact of Environmental Orientation on Proactive and Reactive Environmental Strategies: Mediating Role of Business Environmental Commitment. *Sustainability*, 13,8361. <https://doi.org/10.3390/su13158361>
- Sarkis, J., Gonzalez-Torre, P., & Adenso-Diaz, B. (2010). Stakeholder pressure and the adoption of environmental practices: The mediating effect of training. *Journal of Operations Management*, 28(2), 163–176. <https://doi.org/10.1016/j.jom.2009.10.001>
- Seroka-Stolka, O & Fijorek, K. (2020). Enhancing corporate sustainable development: Proactive environmental strategy, stakeholder pressure and the moderating effect of firm size. *Bus Strat Env*, 29(6), 1–17. <https://doi.org/10.1002/bse.2506>
- Shams al-Dini, Kazem, Nemati, Maitham, and Askari Shahamabad, Mehdi. (1401). Presenting a model for the development of corporate social responsibility. *Accounting and Social Interests*, 12(1), 115-156. [In Persian]. 10.22051/JAASCI.2022.39507.1676
- Shoorvarzi, M.R., & Pahlavan, R. (2011). Effect of firm size on income smoothing. *Journal of management futures research (Journal of management research)*, 21(87), 69-80, [In Persian]. https://journals.srbiau.ac.ir/article_5111.html
- Soleimani, Gh., Yazdi, H. (2018). Investigating the impact of environmental strategy, environmental uncertainty and senior management commitment on corporate environmental performance: the role of environmental management accounting. *Management Accounting*, 12(43), 87-104. [In Persian]. https://jma.srbiau.ac.ir/article_14898.html
- Verbeke, A., Bowen, F., & Sellers, M. (2006). Corporate environmental strategy: Extending the natural resource-based view of the firm. In *Academy of Management Proceedings*, (1), <https://doi.org/10.5465/ambpp.2006.27176644>.

